

* اولویت‌های تولید از دیدگاه اسلام

□ علی محمد میرجلیلی^۱

□ سمیه یوسفی^۲

چکیده

اسلام، خواهان عزت و اقتدار مسلمین در تمامی عرصه‌ها، از جمله عرصه اقتصادی است و تولید، مقدمه رسیدن به این هدف بزرگ است. از این رو اسلام برای تولید اهمیت ویژه‌ای قائل شده است و مسلمانان و پیروان خود را به فعالیت‌های مختلف تولیدی همچون تولیدات کشاورزی، دامداری، صنعتی و نیز تجارت تولیدات این بخش‌ها در راستای توزیع و ترویج این سه بخش دعوت می‌کند.

با توجه به این که رسیدن به رشد تولید و خودکفایی مسلمین و بی‌نیازی جستن از کشورهای کفر، روش‌ها و راه‌کارهای بی‌عیب و نقصی را می‌طلبید که از جمله آنها رعایت اولویت‌ها در تولید است، در این تحقیق سعی بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از آیات قرآنی و سخنان گهربار پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام به معرفی اولویت‌های تولید از

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۳۱

۱. دانشیار دانشگاه آیت الله حائری

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آیت الله حائری

دیدگاه اسلام در راستای رسیدن به رشد و اقتدار اقتصادی مسلمین پردازیم.
هدف از این پژوهش تشویق تولیدکنندگان به رعایت اولویت‌های تولیدی
است.

واژگان کلیدی: قرآن، روایات، مسلمین، کار، تولید، اولویت‌ها.

طرح مسئله

اسلام در درجه اول سازمان‌های تولیدی را موظف به تولید کالاهایی کرده که وجود آنها به رفع نیازهای ضروری و حیاتی مردم کمک می‌کند، مانند: خوراک، پوشاش و مسکن. و از آنها خواسته که استفاده از منابع تولید را در جهت تولید چنین کالاهایی در اولویت قرار دهند و تا زمانی که تولید کالاهای ضروری به حدی نرسیده که جواب‌گوی نیاز عموم باشد صرف نیرو و امکانات برای تولید سایر کالاهای را مجاز نمی‌داند. بنابراین، در نظام اقتصادی اسلام آنچه به میزان و نوع کالا و خدمات جهت می‌دهد رفع نیاز عمومی جامعه به معنای واقعی صرف نظر از قدرت پولی مردم است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۵)؛^۱ زیرا عدم تأمین نیازهای ضروری مردم موجب وابستگی اقتصادی به کشورهای بیگانه می‌شود و وابستگی اقتصادی، استقلال سیاسی و فرهنگی کشور را تحت الشاعع قرار می‌دهد. این مخالف با نظر اسلام است؛ زیرا اسلام خواهان عزت و سربلندی جامعه مسلمین در بین دیگر جوامع است و هر گونه تسلط و وابستگی به بیگانه را نفی می‌کند: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِكُفَّارِنَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱)؛ «خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [سلطی] قرار نداده است». از پیامبر اکرم ﷺ نیز در این زمینه روایتی نقل شده که فرمود: «الإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶، ص ۱۴)؛ «اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد». امام علی علیه السلام نیز وابستگی به دیگران را باعث اسارت می‌داند و می‌فرماید: «اسْتَغْنُ بِاللَّهِ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ وَ احْتَجْ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۰۹)؛ «از هر کس بی‌نیازی بجوبی، همانند او خواهی بود و به هر کس نیازمند باشی برد و اسیر او هستی». با

توجه به آنچه گفته شد، در این تحقیق به سؤالات ذیل پاسخ داده می‌شود:

۱. اسلام در راستای تأمین نیازهای ضروری مسلمین و در نهایت رسیدن به استقلال و اقتدار اقتصادی و سیاسی مسلمین چه فعالیت‌های تولیدی را توصیه می‌کند؟

۲. ترتیب این فعالیت‌ها بر اساس اولویت چگونه است؟

اولویت‌های تولید از نظر اسلام

در این بخش از مقاله اولویت‌های تولیدی از نظر اسلام مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. کشاورزی

۱-۱. اهمیت کشاورزی

زمین مادر انسان است؛ آدمی از آن خلق گردیده و به همان بازمی‌گردد: «منها خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نَعِيَّدُكُمْ» (طه/۵۵)؛ «از این [زمین] شما را آفریده‌ایم، در آن شما را بازمی‌گردانیم».

و مقومات زندگی و بقاء وی از آن است. رسول اکرم ﷺ نیز در این باره می‌فرمایند: «تَمَسَّحُوا بِالأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ وَ هِيَ كُمْ بَرَّةٌ» (راوندی، بی‌تا، ص۹؛ شریف رضی، ۱۴۲۲ق، ص۲۵۱)؛ «با زمین (در نبود آب) مسح (تیم) کنید که آن مادر (و زادگاه) شماست و او در حق شما نیکوکار است».

در این میان کشاورزی و زراعت، خود هدیه‌ای از زمین به انسان است تا بدان وسیله حیات پدید آمده و بشر قدرت زندگی را داشته باشد و تا کمال مطلوب سیر خود را ادامه دهد.

لیکن گاهی انسان از اهمیت کشاورزی در زندگی خود غافل است و تمام اهمیت و یا بیشتر آن را صرف امور دیگر نظیر صنعت می‌کند. اسلام تأکید زیادی را در مورد کشاورزی و زراعت نموده است؛ زیرا که غذا و مایحتاج زندگی مردم از این طریق حاصل می‌شود.

نقش کشاورزی در تأمین نیازهای غذایی مردم به اندازه‌ای است که امام علی علیه السلام یافتن وضع سایر اقشار جامعه را در گرو سامان یافتن وضع کشاورزان دانستند و خطاب به مالک اشتر فرمودند:

«وَنَفَقَدْ أَمْرُ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَصَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ وَلَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ لِأَنَّ النَّاسَ كُلُّهُمْ عِبَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَأَهْلِهِ» (شیف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۶، نامه ۵۳)؛ «خرج را به گونه‌ای وارسی کن که صلاح خراج دهنده‌گان باشد؛ زیرا بهبودی خراج و خراج دهنده‌گان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور خراج دهنده‌گان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت؛ زیرا همه مردم نان خور خراج و خراج دهنده‌گانند». امام علی علیه السلام بعدی از این نامه می‌فرمایند: «وَلِكُنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةِ أَخْرَبَ الْبَلَادَ وَأَهْلَكَ الْعِبَادَ وَلَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا فَإِنْ شَكَوْا بِتِقْلَاءَ أَوْ عِلَّةً أَوْ انْقِطَاعَ شُرْبَ أَوْ بَالَّةً أَوْ إِحَالَةَ أَرْضٍ اغْتَمَرَهَا غَرَقًا أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشًا خَفَقْتَ عَنْهُمْ بِمَا تَرْجُو أَنْ يَصْلُحَ بِهِ أَمْرُهُمْ» (همان، ص ۴۳۶)؛ «و باید که توجه تو به آباد کردن زمین بیش از توجه به گرفتن خراج باشد، چه خراج جز در نتیجه آبادی فراهم نمی‌آید. هر کس بدون آباد کردن زمین خواستار خراج شود، کشور را خراب و مردم را هلاک کرده است، و کار او جز اندکی راست نخواهد شد. پس اگر از زیادی مالیات (خراج)، یا رسیدن آفت آسمانی، یا قطع شدن آب، یا باران، یا خراب شدن بذر در نتیجه غرق شدن زمین در زیر آب، یا نابود شدن ماده غذایی از زمین شکایت کنند، باید چنان بار مردم را سبک کنی که کارشان اصلاح شود».

از عبارت فوق الذکر می‌توان فهمید که منظور از خراج دهنده‌گان، «کشاورزان» هستند؛ بلکه در تعییر شرع مراد از خراج، مالیاتی است که دولت اسلامی از زمین می‌گیرد (محقق کرکی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ۲۶۶).

بنابراین، تهیه نیازهای غذایی مردم در درجه اول از طریق کشاورزی انجام می‌گیرد و اگر کشوری تواند در این زمینه به خود کفایی برسد به شدت آسیب‌پذیر شده و به ناچار وابسته به دیگران خواهد شد.

﴿۱۰۷﴾

اهمیت این امر را می‌توان در کلام پیامبر ﷺ جستجو کرد که فرمودند: «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمُ الْفَسِيلَةُ فَإِنْ أَسْطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۴۲؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۷۷)؛ «اگر در دست یکی از شما نهالی باشد و در همان لحظه قیامت بر پاشود، اگر بتواند آن نهال را غرس کند، باید این کار را انجام دهد». بنابراین، اگر مردمی در تحصیل مواد غذایی خود به دیگری نیاز داشته باشند، هرگونه پیشرفت‌های صنعتی، ثمری به حال آنها ندارد و تحولات تکنولوژی نمی‌تواند بی‌نیازشان سازد؛ زیرا صنعت و تکنولوژی به خودی خود نمی‌تواند نان و خوراک مردم را تأمین کند و این نان و مواد غذایی است که به انسان حیات می‌بخشد.

رهبران بزرگوار اسلام برای نشان دادن اهمیت این امر حیاتی، تنها به تأکیدات لفظی اکتفا نکرده و خود، شخصاً به این کار اشتغال ورزیدند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «وَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبٌ إِلَيْهِ اللَّهُ مِنَ الزَّرَاعَةِ وَ مَا بَعْثَ اللَّهُ بِنِيَّا إِلَّا زَارِعاً إِلَّا إِدْرِيسَ عَلِيِّاً فَإِنَّهُ كَانَ خَيَاطاً» (طوسی، ج ۱۴۰۷، ص ۳۸۴؛ قمی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۶۴)؛ «از میان کارها چیزی در نزد خداوند محبوب‌تر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را می‌عوثر نکرد، مگر این که کشاورز بود، به جز ادریس که خیاط بود».

۲- تشویق به کشاورزی

کشاورزی از این جهت که تأمین کننده نیازهای غذایی مردم و دام‌هاست در اولویت نخست قرار دارد و اهمیت آن به حدی است که خداوند در آیات بسیاری از قرآن انسان‌ها را به پرداختن به این امر تشویق می‌کند، نظیر: «أَوَ لَمْ

يَرَوْا أَنَا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَتُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَمُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبَصِّرُونَ» (سجده/٢٧)؛ «آیا نمی‌بینند که آب را به زمین خشک و بی‌گیاه روانه می‌سازیم تا کشتزارها برویانیم و چهارپایان و خودشان از آن بخورند؟ چرا نمی‌بینند؟».

درست است که این آیه در صدد توبیخ و تنبیه کفار است که چرا با وجود این همه نشانه‌های آشکار باز خداوند را انکار می‌کنند، اما می‌توان این برداشت را هم از آیه داشت که خداوند از طریق این آیه انسان‌ها را به سمت کاری سوق می‌دهد که از طریق آن نه تنها نیازهای حیاتی خود بلکه نیازهای حیاتی چهارپایان خود را هم می‌توانند تأمین کنند و آن کار پرداختن به امر کشاورزی است.

امام باقر علیه السلام طی روایتی در زمینه تشویق به کشاورزی می‌فرمایند: «خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَرْثُ تَرْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ أَمَّا الْبَرُّ فَمَا أَكَلَ مِنْ شَيْءٍ اسْتَغْفَرَ لَكَ وَأَمَّا الْفَاجِرُ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ لَعْنَهُ وَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَهَائِمُ وَالظَّيْرُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۳۲)؛ «بهترین اموال آن است که بزرگری، بذری را بکارد و سپس از آن هر نیک و فاسدی بخورد. پس اگر نیکوکار از آن بخورد، برای تو طلب مغفرت کند و اگر فاجر و بدکار از آن استفاده برد، نفرین شود و نیز پرندگان و چهارپایان از آن می‌خورند». امام علیه السلام در این روایت بهترین اموال را، زراعتی دانسته که همه به نوعی از آن بهره‌مند می‌شوند.

در روایتی دیگر از پیامبر اکرم علیه السلام بهره‌مندی موجودات از محصولات کشاورزی، صدقه‌ای است که برای صاحب این محصولات لحاظ می‌شود: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةً» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۳، ص ۹۵۸)؛ «هیچ مسلمانی نهالی نمی‌کارد یا زراعت نمی‌کند که از آن، انسان یا پرندگان یا چهارپایان می‌خورند مگر این که برای او صدقه محسوب می‌شود».

بنابراین، در اقدام به کشاورزی صرف نظر از تأمین مایحتاج زندگی خود و دیگر موجودات و امراض معاش از طریق آن، اجر و پاداشی است که خداوند برای شخص کشاورز لحظه می‌کند.

﴿١٠٩﴾

رسول اکرم ﷺ طی روایتی در این زمینه می‌فرمایند: «مَنْ غَرْسَ غَرْسًا فَأَثْمَرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرًا مَا يَخْرُجُ مِنَ الشَّمَرِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۴۶۰؛ بروجردی، همان، ص ۹۵۸)؛ «کسی که نهالی را بکارد و آن نهال به ثمر بنشیند، خداوند به مقداری که از آن نهال ثمره به دست می‌آید به وی اجر می‌دهد».

۲-دامپروری

۱-۲. اهمیت دامپروری

دام‌ها یکی از مواردی هستند که انسان‌ها در تأمین نیازهای غذایی خود به آن نیازمند هستند و حیات خود را برابر آن قوام می‌نهند. از این رو دین مقدس اسلام توجه خاصی به رشد این ثروت و سرمایه عظیم طبیعی نموده و قرآن مجید این ثروت را به عنوان نعمتی بزرگ، که خداوند آن را به بشر موهبت نموده است، می‌خواند و توجه فکری وی را به آن جلب می‌کند و می‌فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكُبُوا مِنْهَا وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (غافر/۷۹)؛ «خدا [همان] کسی است که چهارپایان را برای شما پدید آورد تا از برخی از آنها سواری گیرید و از برخی از آنها بخورید».

و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَ إِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامَ لِعِبْرَةً نُسْقِيْكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ» (نحل/۶۶)؛ «و در دام‌ها برای شما عبرتی است: از آنچه در [لابلای] شکم آنهاست، از میان سرگین و خون، شیری ناب به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست».

بنابراین، بر انسان لازم است که خدای را در برابر این نعمت عظیم شکرگزار باشد و از آن بهترین استفاده را ببرده و بر آن بیشترین محافظت را داشته باشد. پیامبر اکرم ﷺ مردم را به اهمیت دامداری و رشد این سرمایه دعوت می‌کند

تا جایی که تصریح می‌کند که دامداری شغل انبیاء^{علیهم السلام} بوده است: «وَ قَالَ عَلَيْهِ اللَّهُ مَا
بَعْثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا رَاعَى غَنَمٍ» (مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۶۱، ص ۹۷)؛ «خداؤند هیچ پیامبری را معموت نکرد مگر این که چوپان گوسفند (دامدار) بود»، تا احدی از اشتغال به آن کوتاهی نکرده و آن را تحریر ننماید و کم و کوچک نشمارد. اسلام پیش از آن که جهان سازمان حمایت حیوانات را بشناسد، دعوت کننده و اهمیت دهنده به این سرمایه است و برای حیوانات حقوقی بر صاحبانشان، و رفق و مهربانی و آزار نرسانیدن به آنها را قائل گردیده است. در این رابطه امام صادق^{علیه السلام} فرمود: «لِلَّهِ أَكْبَرُ عَلَى صَاحِبِهَا سِتَّةُ حُقُوقٍ لَا يُحَمِّلُهَا فَوْقَ طَاقَهَا وَ لَا
يَتَخَذِّلُ ظَهَرَهَا مَجَالِسٌ يَتَحَدَّثُ عَلَيْهَا وَ يَبْدِأُ بَعْلَفَهَا إِذَا نَزَلَ وَ لَا يَسْمُهَا فِي وَجْهِهَا وَ لَا
يَضْرُبُهَا فِي وَجْهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ وَ يَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ» (برقی، ۱۳۷۱،
ج ۲، ص ۶۲۵)؛ «بر صاحبان چهار پاشش وظیفه است: وی را بیش از طاقتمند حمل نکند و پشت او را مجلسی برای سخن گفتن قرار ندهد و در هنگام رسیدن، اول غذای وی را دهد و وی را دشنام نداده و یا نقره داغ ننماید و ضربتی بر صورتش نوازد که خدای را می‌خواند و نیز در هنگام عبور از آب وی را بر آن عرضه کند و آب به او رساند». بنابراین، آنچه گفته شد بهترین دلیل بر توجه و اهمیت شریعت مقدس اسلام به امر دامپروری چه از جهت اقتصادی یا جهات اخلاقی و انسانی می‌باشد.

۲- تشویق به دامپروری

دومین اولویت تولیدی بعد از کشاورزی، دامپروری است؛ زیرا رشد و پیشرفت در کشاورزی زمینه مناسب را برای فعالیت‌های دامپروری مهیا می‌سازد، از این رو براساس سخنی از پیامبر اکرم^{علیه السلام} بهترین فعالیت تولیدی بعد از کشاورزی، دامپروری است. امام صادق^{علیه السلام} می‌فرمایند: «سُلِّلَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ قَالَ الزَّرْعُ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ وَ أَصْلَحَهُ وَ أَدَّى حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ قَالَ فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الزَّرْعِ

خَيْرٌ قَالَ رَجُلٌ فِي غَنَمٍ لَهُ قَدْ تَبَعَ بِهَا مَوَاضِعُ الْقَطْرِ يُقِيمُ الصَّلَاةَ وَيُؤْتِي الزَّكَاةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۶۰)؛ «از پیغمبر خدا^{علیه السلام} سوال شد: کدام ثروت بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را به دست خود کشته و به ثمر رساند و زکات آن را بپردازد، عرض شد: پس از کشاورزی کدام دارایی بهتر است؟ فرمود: گله داری که خود گوسفندانش را در چراگاه های باران گیر می چراند و نماز می خواند و زکات می دهد».

بعد از کشاورزی، اکثر نیازهای مردم از طریق دامداری تأمین می شود از این رو در روایات از این امر مهم به «برکت» تعییر شده است. در روایتی از امام صادق^{علیه السلام} آمده که فرمود: «قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِعَمَّتِهِ مَا يَمْنَعُكَ مِنْ أَنْ تَتَحَذَّذِ فِي بَيْنِكَ بَرَكَةً فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْبَرَكَةُ فَقَالَ شَاءَ تُحْلَبُ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَتْ فِي دَارِهِ شَاءَ تُحْلَبُ أَوْ نَعْجَةً أَوْ بَقَرَةً فَبَرَكَاتٌ كُلُّهُنَّ» (برقی، ۱۳۷۱، ص ۶۴۰)؛ «رسول خدا^{علیه السلام} به عمه خود فرمود: چه چیز تو را مانع می شود از این که برکتی در خانه داشته باشی؟ گفت: یا رسول الله برکت کدام است؟ فرمود: گوسفندی شیرده و اگر کسی در خانه اش گوسفند یا بز یا گاو شیرده ای باشد همه آنها برکتند». روایاتی از این قبیل در تشویق انسان ها به سمت دام پروری، فراوانند و به وضوح دلالت دارند بر این که تأمین بسیاری از نیازهای خوراکی، پوشانک، وسایل رفاهی وغیره از این طریق صورت می گیرد.

خداآوند کریم نیز در آیات بسیاری از قرآن مردم را به پرورش دام دعوت می کند:

﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءُ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (نحل/۵)؛ و چهارپایان را خلق کرد که به (موی و پشم) آنها گرم می شوید و از آنها فواید بسیار دیگر برده و از (شیر و گوشت) آنها غذای مأکول می سازید». در این آیه نخست به مسئله خلقت چهارپایان، که دلیلی بر علم و قدرت خداست، پرداخته، سپس به بیان نعمت های گوناگونی که در آنها وجود دارد می پردازد، و از میان

این نعمت‌ها به سه قسمت اشاره کرده؛ نخست مسأله «دفء» که به معنی هرگونه پوشش است می‌باشد، (با استفاده از پشم و پوست آنها) مانند: لباس و لحاف و کفش و کلاه و خیمه، و دیگر «منافع» که اشاره به شیر و مشتقات آن می‌باشد و سوم گوشت که با جمله «وَمِنْهَا تَأكُلُونَ» بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۵۸).

این آیه با بیان فواید موجود در چهارپایان به انسان‌ها می‌فهماند که با روی آوردن به این امر مهم می‌توانند بخش زیادی از احتیاجات خود را در زمینه خوراک و پوشاش و وسایل زندگی تأمین کنند، بدون این که محتاج و وابسته به دیگران باشند. این خودکفایی و عدم وابستگی در آیه بعد به زیبایی به تصویر کشیده شده است: **﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيْحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ﴾** (نحل ۶)؛ و هنگامی که آنها را شبانگاه از چرا بر می‌گردانید یا صبحگاه به چرا بیرون می‌برید افتخار شما باشند».

منظرة جالب حرکت دسته جمعی گوسفندان و چهارپایان به سوی بیابان و چراغ‌گاه، سپس بازگشتشان به سوی استراحتگاه که قرآن از آن تعییر به «جمال» کرده تنها یک مسأله ظاهری و تشریفاتی نیست، بلکه بیان گر واقعیتی است در اعماق جامعه، و گویای این حقیقت است که چنین جامعه‌ای خودکفاست؛ فقیر و مستمند و وابسته به این و آن نمی‌باشد. خودش تولید می‌کند و آنچه را خود دارد مصرف می‌نماید. این در واقع جمال استغنا و خودکفایی جامعه است، جمال تولید و تأمین فرآورده‌های مورد نیاز یک ملت است، و به تعییر گویاتر جمال استقلال اقتصادی و ترک هرگونه وابستگی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۵۹).

۳. صنعت

۳-۱. اهمیت صنعت

امروزه تأمین بسیاری از نیازهای اساسی و حیاتی جامعه، به طور مستقیم و غیر

مستقیم، به بخش صنعت وابسته است، حتی تولیدات بخش کشاورزی و دامپروری نیز از این امر مستثنی نیست؛ زیرا با توجه به رشد جمعیت، عدم استفاده از صنعت و ماشین‌آلات پیشرفت‌هه نه تنها با مشقت زیاد و سوددهی پایین همراه است، بلکه جواب‌گوی نیازهای مردم هم نیست.

تولیدات بخش صنعت هم شامل تولیداتی است که تسهیل کننده تولیدات دیگر بخش‌ها هستند؛ مانند آنچه که در بالا ذکر شد و هم شامل تولیداتی که در نیازهای روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرند و جزء کالاهای اساسی و ضروری به حساب می‌آیند.

قرآن توجه به این امر را هم از نظر دور نداشته و در آیات مختلف پرداختن به آن را گوشزد می‌کند؛ زیرا سومین بخش تولید در رسیدن به خودکفایی اقتصادی، بخش صنعت است و یک کشور باید بتواند کالاهایی را که حیات افراد و یا قوام نظام جامعه به آن بستگی دارد تولید کند. به عنوان مثال ﴿وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ﴾ (حدید/۲۵) و ﴿وَأَسْلَنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَنْ يَزْغُبْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقُهُ مِنْ عَذَابِ السَّعْيِ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِيبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جَفَانَ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورِ رَأْسِيَتِ اعْمَلُوا إِلَّا دَاؤُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشَّكُور﴾ (سباء/۱۲-۱۳).

اسلام خواهان عقب‌ماندگی مسلمانان در صنعت و تکنولوژی نیست به همین جهت خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوُّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾ (انفال/۶۰)؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید. از مسلمانان می‌خواهد که به حرکت علمی و صنعتی خود ادامه داده و مهیای سبقت گرفتن از دشمنان اسلام شوند، البته به شرط آنکه در چهارچوب اخلاق و

ارزش‌های انسانی باشد.

۲-۲. تولیدات اساسی بخش صنعت

۲-۳. وسایل دفاعی و ابزار نظامی

براساس آیه ۶۰ سوره انفال که در قسمت قبل به آن اشاره شد یکی از تولیدات اساسی بخش صنعت، ابزارهای نظامی است که هر جامعه‌ای برای حفظ اقتدار و امنیت خود به آن نیاز مبرم دارد و تولید آن در کمیت و کیفیت از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند در آموزش یک فن و صنعت به پیامبرش، ساخت یک وسیله دفاعی را در نظر گرفته و آموزش آن را خود، بر عهده می‌گیرد: ﴿وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا ... وَ أَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَ قَدَرْ فِي السَّرْدِ وَ اعْمَلُوا صَالِحًا إِنَّى بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (سبأ/۱۱-۱۲)؛ «و ما به داود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشدیم ... و آهن را برای او نرم کردیم [و به او دستور دادیم] که از آهن زره فراخ و گشاد بساز و حلقة زره به اندازه و یک شکل گرдан و خود با قومت همه نیکوکار باشید که من کاملاً به هر چه کنید بینایم».

آیه دوم خطاب به حضرت داود ﷺ است که برای این که بتواند از دسترنج خود استفاده کند، چگونگی ساختن زره به او تعلیم داده شده است. این آیه قرآنی به ما می‌آموزد که پیامبر خدا - که رئیس کشور دینی است - صنعت‌گری سازنده است. فایده صنعت وی تنها به خود او باز نمی‌گردد، بلکه سود اجتماعی دارد و به مردمان دیگر نیز می‌رسد، و زرهی که پیامبر صنعت‌گر می‌سازد، برای امت او فایده‌ای بزرگ دارد و آنان را از شر دشمن در جنگ محافظت می‌کند. پس جامعه زنده در حال رشد، همواره نیازمند به تقویت صنایع، و تشویق صنعت‌گران، و گشودن راههای اکتشافات صنعتی، و توجه کامل به استفاده از فنون جدید می‌باشد (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۸۵).

بنابراین، استفاده از ابزارهای نظامی در دفاع از ارزش‌های اسلامی در برابر مخالفان خارجی و داخلی و اجرای عدالت در جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است،

چنان چه خداوند در سوره حديد، پس از اين که هدف خود از ارسال پیامبران را برقراری عدالت در جامعه می داند، از منافع آهن سخن به میان می آورد و می فرماید: **﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًاٰ بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُولَّ النَّاسُ بِالْقُسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُنْصُرُهُ وَرُسُلُهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾** (حديد/۲۵)؛ ما پیامبرانمان را با دليل های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند. و آهن را که در آن نیرویی سخت و منافعی برای مردم است فرو فرستادیم، تا خدا بداند چه کسی به نادیده، او و پیامبرانش را یاری می کند. زیرا خدا توانا و پیروزمند است».

با توجه به این آیه، پیامبران به سه وسیله مجهر بودند: دلایل روشن، کتب آسمانی، و معیار سنجش حق از باطل و خوب از بد، ولی از آنجا که به هر حال در یک جامعه انسانی هر قدر سطح اخلاق و اعتقاد و تقوا بالا باشد باز افرادی پیدا می شوند که سر به طغيان و گردنکشی بر می دارند و مانع اجرای قسط و عدل خواهند بود، لذا در ادامه آیه می فرماید: **﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ﴾**؛ «ما آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، و نیز منافعی برای مردم».

تجهیزات سه گانه انبیاء الهی ﷺ برای اجرای عدالت وقتی می تواند به هدف نهایی برسد که از خصمان اجرایی آهن و «بأس شدید» آن برخوردار باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، صص ۳۷۲-۳۷۳).

۲-۲-۳. وسائل حمل و نقل

برای این که جامعه اسلامی بتواند تولیدات داخلی خود را افزایش دهد و در زمینه تولید در میان جوامع دیگر حرفی برای گفتن داشته باشد، نیاز به انتقال به موقع مواد اولیه به مراکز مختلف تولید در سراسر کشور و همچنین انتقال تولیدات خود به دست مصرف کنندگان چه در داخل کشور و یا خارج کشور

دارد. این انتقال در زمان‌های گذشته به وسیله چارپایانی چون شتر، گاو و... صورت می‌گرفت. این حیوانات بارهای سنگینی را که حمل آن برای انسان مشقت داشت و حمل آن جز به وسیله آنها مقدور نبود به سمت مقصد مورد نظر حمل می‌کردند: ﴿وَ تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدِ لَمْ تَكُونُوا بِالْغَيْرِ إِلَّا بِشَقَّ الْأَنفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (نحل/٧)؛ «و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدن‌ها بدان نمی‌توانستید برسید. قطعاً پروردگار شما رئوف و مهربان است». با مرور زمان و پیشرفت علم انسان امروزه، توسط وسائلی همچون ماشین، هوایپما، کشتی و... صورت می‌گیرد. ﴿وَ الْخَيْلَ وَ الْبَغَالَ وَ الْحَمِيرَ لِتَرْكُوبُهَا وَ زِينَةً وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل/٨)؛ «و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد]، و آنچه را نمی‌دانید می‌آفریند». ممکن است عبارت ﴿يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ اشاره به وسائل نقلیه مدرن باشد. بنابراین، خداوند با خلقت وسائل حمل و نقل که در گذشته توسط چهارپایان و امروزه بیشتر توسط وسائل حمل و نقل پیشرفته مخلوق دست انسان، صورت می‌گیرد، مشقت حمل و نقل بارهای سنگین را از نفوس بشر برداشته و موجبات تسریع تولید کالا و خدمات را فراهم آورده است.

امروزه یکی از مهم‌ترین وسائل حمل و نقل مخلوق دست بشر، کشتی‌های غول‌پیکری هستند که کالا و خدمات را به نقاط مختلف جهان انتقال می‌دهند و خداوند در قرآن از آنها با عنوان «کالاً علام» یاد کرده و فرموده است: ﴿وَ لَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَاتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَام﴾ (الرحمن/٢٤)؛ «و او راست کشتی‌های بزرگ بادبان برافراشته مانند کوه که به دریا در گردشند».

«منشآت» جمع «منشأ» اسم مفعول از «إنشاء» به معنی ایجاد است و جالب این که در عین تعبیر به منشآت که حکایت از مصنوع بودن کشتی به وسیله انسان می‌کند می‌فرماید «و له» (از برای خداداد...) اشاره به این که مخترعان و سازندگان کشتی از خواص خداداد که در مصالح مختلفی که در کشتی‌ها به کار

می‌رود استفاده می‌کنند، همچنین از خاصیت سیال بودن آب دریاها، و نیروی وزش بادها بهره می‌گیرند، و خداست که در آن مواد، و در دریا و باد این خواص و آثار را آفریده است (مکارم شیرازی، همان، ص ۱۲۹).
﴿۱۱۷﴾

با توجه به توضیحات داده شده باید گفت که امروزه بشر، برای رشد و پیشرفت در زمینه تولید نیاز به تولید وسایل حمل و نقل دارد تا به وسیله آنها علاوه بر تسريع بخشیدن در امر تولید، موجبات انتقال کالا و خدمات (و در نتیجه فرهنگ خود) را به مناطق مختلف داخلی و خارجی فراهم نماید.

۳- نقش کار و صنعت در اقتدار اقتصادی

یکی از تأثیرهای مهم کار و تولید، خودکفایی و بینیازی مسلمین از دیگران است. اهمیت و تشویق قرآن به کار و تولید نیز ریشه در این امر مهم دارد؛ زیرا خداوند بینیاز است و خواستار بینیازی مسلمانان در همه جوانب از جمله جنبه اقتصادی است.

در ذیل آیه **﴿أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَ قَدْرٌ فِي السُّرْدِ وَ اعْمَلُوا صَالِحًا إِنَّى بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾** (سبأ/۱۱). از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «أُوحَى لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاؤْدَعْ أَنَّكَ نَعْمَ الْعَيْدُ لَوْ لَا أَنَّكَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَ لَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئًا قَالَ فَبَكَى دَاؤْدُ عَلِيَّاً أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى الْحَدِيدِ أَنْ لِنْ لَعْبَدِي دَاؤْدَ فَأَلَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ الْحَدِيدَ فَكَانَ يَعْمَلُ كُلَّ يَوْمٍ دِرْعًا فَيَبِعُهَا بِالْفِدِرْهَمِ فَعَمِلَ ثَلَاثَمَائَةً وَ سِتِّينَ دِرْعًا فَبَاعَهَا بِثَلَاثَمَائَةٍ وَ سِتِّينَ أَلْفًا وَ اسْتَغْنَى عَنْ بَيْتِ الْمَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۴؛ طرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۹۷)؛ «خدای بزرگ به داؤد علیه السلام وحی فرستاد که تو، اگر از بیت‌المال نمی‌خوردی و با دست خود کار می‌کردی، بنده خوبی بودی، پس داؤد علیه السلام چهل روز گریست، آن گاه خدا به آهن وحی (اشاره) کرد که در دست بنده من داؤد نرم باش. بدین‌سان خدای بزرگ آهن را برای او نرم کرد، و او هر روز یک زره می‌بافت و به هزار

در هم می فروخت. سیصد و شصت زره بافت و آنها را به سیصد و شصت هزار در هم فروخت و از بیتالمال بی نیاز شد».

براساس آیه بالا و حدیثی که در توضیح آن آمده، یکی از معیارهای انسان خوب و کامل، بی نیازی اقتصادی او از دیگران است و خداوند با در اختیار قرار دادن ابزار تولید و یاد دادن هنر تولید زره به پیامبرش داده‌است^{۱۱۸} او را از نیازمندی به بیتالمال رها کرد.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: «شِرَاءُ الْحِنْطَةِ يَنْفَى الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الدِّقْقِيْقِ يُنْشِئُ الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الْخَبْزِ مَحْقُّ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَبْقَاكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شِرَاءِ الْحِنْطَةِ قَالَ ذَاكَ لِمَنْ يَقْدِرُ وَ لَا يَفْعَلُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۷)؛ «خرید گندم فقر را دور می کند و خرید آرد فقر می آورد و خرید نان (ماiene) نابودی است. گفتم: فدایت شوم کسی که قادر به خرید گندم نیست چه کند؟ فرمود: این برای کسی است که قادر باشد و انجام ندهد».

در این حدیث نیز بر نقش کار و تولید در رهایی از وابستگی و نیازمندی به دیگران اشاره شده است و از مجموع دو حدیث بالا می توان چنین نتیجه گرفت که انسان‌ها باید با استفاده از امکاناتی که خداوند در اختیارشان قرار داده نهایت استفاده را کرده و با کار و تولید بیشتر زمینه خود کفایی خود و دیگران را فراهم کنند و انجام ندادن این کار در عین این که بتوانند انجام دهنده وابستگی و نابودی را به همراه دارد.

۴. تجارت سالم، عاملی در ترویج تولید

۴-۱. اهمیت تجارت

اسلام برای تجارت و بازرگانی اهمیت زیادی قائل شده و انسان‌ها را به سوی آن دعوت می کند؛ زیرا تجارت علاوه بر این که از نظر اقتصادی یکی از راههای مهم درآمد و اداره مسائل مالی و کمبودها و مشکلات زندگی و برآورده کننده نیازهای اجتماعی می باشد، می تواند باعث حفظ شخصیت و صیانت شرف انسانی

در جامعه و نیز فعال ساختن آن و دوری از سستی و تبلی و در نتیجه عدم سقوط اجتماعی باشد. اهمیت این موضوع را در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌توان مشاهده کرد که فرمود: «لا تَدْعُوا التِّجَارَةَ فَتَهُونُوا، اتَّجِرُوا بَارِكَ اللَّهُ لَكُمْ» (کلینی، همان، ص ۱۴۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۱۲۴؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۴، ص ۳۱۱)؛ «از تجارت و کسب کناره گیری نکنید که (به علت نیاز به دیگران) اهانت می‌شوید، داد و ستد کنید خداوند به شما برکت می‌دهد».

درست است که اسلام دعوت کننده انسان‌ها به سوی تجارت و بازرگانی است؛ اما به این شرط که از محدوده رعایت احکام و مقررات شریعت مقدس اسلام خارج نشوند و به همان اندازه که بر تجارت‌های مفید و پرسود اجتماعی اهمیت داده است، به همان اندازه نیز از کسب و تجارت‌های فاسد و مضر به منافع یک جامعه بر حذر داشته و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بِيَنْكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَّحِيمًا» (نساء/۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال هم‌دیگر را به ناروا مخورید - مگر آن که داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد - و خودتان را مکشید؛ زیرا خدا همواره با شما مهربان است».

به همین دلیل است که اسلام از هر گونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد، خرید و فروش اجنباسی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسایل فساد و گناه بر حذر داشته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳۵۵).

در اهمیت بازرگانی در اسلام همین بس که بخشی از اجتماع عظیم مسلمانان برای انجام مراسم مذهبی و سیاسی در مراسم حج، خانه خدا را برای تجارت و بازرگانی قرار می‌دهند و ملت‌های مختلف از امت بزرگ اسلامی که به آن دیار برای زیارتی عظیم رهسپار شده‌اند، می‌توانند داد و ستد را بدون احساس هیچ گونه گناه و مشکلی می‌توانند داشته باشند: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبَغُوا

۴- رابطه تجارت با تولید

تجارت در جوامع اولیه که تولیداتشان معمولاً برای مصارف شخصی و حاجت‌های ساده خود بوده و احتیاجی به مبادله کالا پدید نمی‌آمده، وجود نداشته و از آن زمانی که تقسیم کار پیدا شد و هر کس رشتہ تولید مخصوصی را پیشنهاد نمود و در آن رشتہ محصولی بیش از اندازه احتیاج خود تولید کرد، تجارت شایع گردید و هر کس جنس اضافی تولیدی خود را با جنس دیگر که مورد احتیاجش بود و دیگری تولید کرده و از مصارفش زیاد آمده بود مبادله می‌نمود. به عنوان مثال، کشاورزی که گندم می‌کاشت و مقداری از معیشت خود اضافه تولید می‌نمود، آن مقدار اضافی را با پشم دیگری که به گوسفندداری پرداخته و پشم اضافی تولید کرده بود مبادله می‌کرد. در این مرحله، هر یک از دو طرف تجارت، خود تولید کننده نیز بودند.

پس از این مرحله که بین تولیدکنندگان و مصرفکنندگان واسطه‌ای نبود، تجارت گسترش بیشتری یافت و دسته سومی در نقش واسطه میان آنان، ظاهر شده و مقادیر اضافی اجناس تولید شده را که به بازار عرضه می‌شد به قصد فروش به خواستاران و نه به جهت مصرف شخصی می‌خریدند.

بدین ترتیب کم کم امور تجاری رونق گرفت و رو به افزایش نهاد، تا آنجا که در اغلب موارد واسطه‌هایی که خود مولد نبودند، میان تولیدکنندگان و مصرفکنندگان فاصله انداختند (تهرانی، ۱۳۵۲، ص ۲۵۲).

در تمام دوره‌ها و با همه اشکال مختلف، تجارت مسبوق به کار تولیدی است و بدون تولید امکان پذیر نخواهد بود. این عمل در اقتصاد تمامی جوامع، نافع و مؤثر بوده است، زیرا وسیله تأمین احتیاجات متخاصیان کالاهای و سبب انتقال اجناس اضافی تولیدکنندگان - به خصوص در صورتی که واسطه، انتقال دهنده

کالای مصرفی از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر باشد - بوده است و به همین دلیل است که امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر، بازرگانان را در کنار صنعت گران قرار داده و آنها را منشأ منفعت معرفی می‌کند و به مدارا و نیک رفتاری با این دو گروه سفارش می‌کند و دلیل مدارا با گروه بازرگانان را انتقال کالاهای مورد نیاز مردم از مناطق دور و نزدیک، هموار یا صعب‌العبور بیان می‌کند:

«ثُمَّ اسْتَوْصِ بالْتُجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَ الْمُضْطَرِبُ بِمَالِهِ وَ الْمُتَرَفِّقُ بِبَدَنِهِ فَإِنَّهُمْ مَوَادُ الْمَنَافِعِ وَ أَسْبَابُ الْمَرَاقِقِ وَ جُلُوبُهُمْ مِنَ الْمَبَاعِدِ وَ الْمَطَارِحِ فِي بَرِّكَ وَ بَحْرِكَ وَ سَهْلِكَ وَ جَبَلِكَ وَ حَيْثُ لَا يَلْتَئِمُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهِمْ وَ لَا يَجْتَرُونَ عَلَيْهَا فَإِنَّهُمْ سَلِيمٌ لَا تُخَافُ بِأَيْقَنِهِ وَ صُلْحٌ لَا تُخْشَى غَائِلَتُهُ وَ تَقَدَّدُ أُمُورُهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَالِيِّ بِلَادِكَ...» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸، نامه ۵۳)؛ «در باره بازرگانان و اهل صنعت سفارش نیک کن، خواه آنان که در شهرها مقیم باشند، یا آنان که میان این شهر و آن شهر با مال خود در آمد و شدند، که اینان مایه منافع و اسباب آسایش و آورنده کالاهای از جاهای دور از دریا و خشکی و کوه و دشتند، و این همه چیزها را از جاهایی می‌آورند که مردمان را نیرو و جرأت رفتن به آن گونه جاهای نیست. پس آنان صلح و سلمی هستند که بیمی از حیله و مکر و بدبختی در آن نمی‌رود، و باید که به امور ایشان چه در حضور خودت و چه در اطراف کشورت رسیدگی شود...».

بنابراین، با توجه به سخنان حضرت امیر علیه السلام، بخش بازرگانی یکی از بخش‌های ضروری اقتصاد هر جامعه است و در صورت ساماندهی صحیح می‌تواند نقش حمایتی مؤثری در تقویت تولید ملی و دفاع از حقوق مصرف کنندگان، ایفا نماید.^۲

متأسفانه در حال حاضر، بسیاری از خدمات تجاری به ویژه در کشورهای جهان سوم، جنبه دلالی صرف یافته و نقش مثبت اقتصادی خود را از دست داده

است. سیطره روحیه خودخواهی بر تجارت، آن را از وضع طبیعی خود منحرف ساخته و آن را به یک فعالیت بسیار سودآور، بدون انعام یک کار مفید تبدیل نموده است (دادگر، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱). اسلام این شیوه از تجارت را محکوم نموده و براساس آن چه در کلام امام علی علیه السلام آوردیم، تنها تجاری را تجویز می‌کند که نوعی کار مفید اقتصادی باشد. امام علی علیه السلام در زمینه خطر تجارت ناصحیح می‌فرمایند: «وَ اعْلَمُ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضِيقًا فَاحْشَا وَ شُحًّا فَبِحَا وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحْكُمًا فِي الْبَيْعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرَرٌ لِلْعَامَةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوُلَاةِ فَأَمْنِعْ مِنَ الْاحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْعَ مِنْهُ وَ لِيُكِنْ الْبَيْعُ يَعَا سَمْحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارَ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَاعِنِ وَ الْمُبَتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَنَكِلْ بِهِ وَ عَاقِبَهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۸، نامه ۵۳)؛ «وَ بَا این وصف، بدان که در میان کاسبان و بازرگانان بسیار کسانند که معاملتی بد دارند، بخیلند و احتکار می‌کنند، و در داد و ستد اجحاف روا می‌دارند. و این‌ها همه باعث زیان همگان است و عیب بر والیان. پس از احتکار جلوگیری کن، که رسول خدا علیه السلام از آن منع فرمود. و باید که خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد، و با نرخ‌هایی نه به زیان فروشنده و نه به زیان خریدار. و آن کس که پس از منع تو دست به احتکار زند، او را کیفر ده تا مایه عبرت دیگران گردد، و در کیفر دادن زیاده روی مکن». روایات نهی از تلقی رکبان که از پیشواز کاروان‌های تجاری رفت و واسطه شدن در فروش کالای روستائیان و فاصله افکنند میان آنان و خریداران شهری، منع نموده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۷۳)، نیز بر از میان برداشتن هرگونه واسطه و طفیلی‌گری غیرانتفاعی در جریان تولید و رفع نیازمندی‌های اقتصادی عمومی دلالت دارند و تنها واسطه‌گری مفید اقتصادی را - که سبب کاهش هزینه مبادله بین خریدار و فروشنده می‌شود - را تجویز می‌کنند.

نتیجه‌گیری

اسلام، خواهان رشد و تعالی و برتری مسلمین در تمامی زمینه‌ها، و از جمله زمینه اقتصادی است و بدین منظور مسلمین را به کار و تلاش در جهت رشد تولیدات داخلی - از لحاظ کمی و کیفی - و بینازی از دیگران دعوت می‌کند و راه کارهایی همچون پرداختن به کشاورزی، دامپروری، صنعت و تجارت را توصیه می‌کند.

در این میان کشاورزی از این جهت که تأمین کننده نیازهای غذایی مردم و دام‌هاست در اولویت نخست قرار دارد. دومین اولویت تولیدی بعد از کشاورزی، دامپروری است؛ زیرا رشد و پیشرفت در کشاورزی زمینه مناسب را برای فعالیت‌های دامپروری مهیا می‌سازد. و با توجه به این که امروزه تأمین بسیاری از نیازهای اساسی و حیاتی جامعه، به طور مستقیم و غیر مستقیم، به بخش صنعت وابسته است و حتی تولیدات بخش کشاورزی و دامپروری نیز از این امر مستثنی نیست، پرداختن به صنعت در اولویت سوم قرار می‌گیرد.

و تجارت چون علاوه بر این که از نظر اقتصادی یکی از راههای مهم درآمد و اداره مسائل مالی و کمبودها و مشکلات زندگی و برآورده کننده نیازهای اجتماعی می‌باشد، می‌تواند باعث حفظ شخصیت و صیانت شرف انسانی در جامعه و نیز فعال ساختن آن و دوری از سستی و تبلی و در نتیجه عدم سقوط اجتماعی باشد، در اولویت آخر قرار می‌گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. امام صادق علیه السلام: «وَ امَّا تَفْسِيرُ الصَّناعاتِ فَكُلُّ مَا يَعْلَمُ الْبَيْدُ اُوْ يُعْلَمُونَ غَيْرُهُمْ مِنْ أَصْنَافِ الصَّنَاعَاتِ ... وَأَنْوَاعَ صُنُوفِ الْأَلَاتِ الَّتِي يَعْتَاجُ إِلَيْهَا الْبَيْدُ مِنْهَا مَنَاعُهُمْ وَ بَهَا قِوَافُهُمْ وَ فِيهَا بُلْعَةٌ جَمِيعُ حَوَائِجِهِمْ فَحَلَالٌ فِعْلُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ فِيهِ لِفْسِهِ اُوْ لِغَيْرِهِ ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۸۵)؛ (اما صنعت‌هایی را که مردمان یاد می‌گیرند یا یاد می‌دهند شامل می‌شود، ... و انواع مختلف آلاتی که مردمان به آنها نیاز دارند و از آنها سود می‌برند و مایه قوام زندگی آنهاست، و وسیله‌ای برای دست یافتن به همه نیازمندی‌های دیگر است؛ پرداختن به کار با همگی این‌ها و تعلیم دادن آنها، چه برای خود و چه برای

دیگران حلال است».

۲. برخی از صاحب نظران اقتصادی عملیات بازرگانی را کار تولیدی دانسته‌اند و گروهی دیگر بازرگانی را ادامه کار تولید، و کار خدماتی قلمداد کرده‌اند. آیت‌الله محمد باقر صدر در کتاب اقتصادنا، تجارت را به عنوان یک نوع کار تولیدی بیان کرده و دلیل خود را، این قسمت از سخن امام علی^ع بیان می‌کند که امام، بازرگانان و صنعت‌گران را در کنار هم قرار داده و هر دو را منشأ منفعت معرفی نموده است. ایشان نقل و انتقال منابع تولیدی، کالا و خدمات را چه به صورت عمودی مانند؛ استخراج مواد اولیه از اعماق زمین و چه به صورت افقی مانند؛ بردن کالا به بازار فروش، کار تولیدی دانسته که در هر دو حالت، کالا تغییر شکل یافته و برای رفع نیاز انسان آماده شده است. بنابر این ایشان دو ویژگی را برای تولید ذکر می‌کند: انجام کار و ایجاد منفعت (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲، صص ۳۰۳-۳۰۷). با توضیحات داده شده به نظر می‌رسد که منظور شهید صدر از تولیدی دانستن تجارت، تولید خدمات باشد نه این که ایشان تجارت را جدا از خدمات به حساب بیاورند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی معروف به شیخ صدق (۱۴۱۳ق)، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحسن، قم، دارالكتب الإسلامية.

۴. بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶)، جامع أحاديث الشیعه، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.

۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول^{علیه السلام})، چاپ چهارم، تهران، دنیای دانش.

۶. تهرانی، علی (۱۳۵۲)، اقتصاد اسلامی، مشهد، چاپخانه خراسان.

۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت^ع.

۸. حکیمی، محمد رضا و محمد و علی (۱۳۸۰)، الحياة، ترجمة احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۹. دادگر، یدالله و نجفی، محمد باقر (۱۳۷۹)، مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی، کرمانشاه، انتشارات نجبا.

۱۰. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی (بی‌تا)، النواذر، قم، دارالكتاب.

۱۱. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، المجازات النبویه، تصحیح مهدی هوشمند، قم، انتشارات دارالحدیث.

۱۲.....، نهج البلاغه، تحقیق صحیح صالح، قم، انتشارات هجرت.

۱۳. صدر، محمد باقر (۱۳۵۷)، اقتصادنا، ترجمة عبد‌العالی اسپهبدی، تهران، انتشارات اسلامی.

۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البيان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر

خسرو.

١٥. طوسی، محمد بن الحسن (١٤٠٧ق)، *تهذیب الأحكام*، تهران، دارالكتب الإسلامية.
١٦. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (١٤٠٦ق)، *الوافی*، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه امام علی علیہ السلام.
١٧. قمی، عباس (١٤١٤ق)، *سفينة البحار*، چاپ اول، قم، انتشارات اسوه.
١٨. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ق)، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسلامیه.
١٩. محقق کرکی، علی بن الحسین (١٤٠٩ق)، *وسائل المحقق الكرکی*، تحقیق محمد حسون، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله نجفی و دفتر نشر اسلامی.
٢٠. مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧٤ق)، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران، دارالكتب الإسلامية.
٢١. نوری، حسین بن محمد تقی (١٤٠٨ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
٢٢. هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله (١٤٠٠ق)، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة*، چاپ چهارم، ترجمة حسن زاده آملی و محمد باقر کمره‌ای، تهران، المکتبه الإسلامية.

